

زندگی در قاب بازنمایی (هویت، سبک)

علیرضا نیکویی¹

استوارت هال چهره برجسته مطالعات فرهنگی با بهره‌گیری از نظریه‌های کسانی چون «گرامشی، سوسور، فوکو» می‌کوشد که فرهنگ، زبان، معنا و هویت را در پرتو «نظریه‌های بازنمایی و برساختگرایی» بررسی کند. از نظر او بازنمایی دارای ویژگی‌های برساختی است و در این امر، زبان، جایگاهی بنیادی در فرهنگ و شکل‌دادن به معنا دارد. زبان به عنوان میانجی بزرگ و به‌مثابه یک نظام بازنمایی عمل می‌کند. در این نگاه، فرهنگ، نه مجموعه‌ای از چیزها و پدیده‌ها؛ که فرایند یا مجموعه‌ای از پراکتیس‌هاست. سه‌گانه «مفاهیم، اشیاء و نشانه‌ها» از رهگذر فرایندهای بازنمایی به یکدیگر می‌پیوندند. زبان و روایت در این میان نقش میانجی بزرگ را بازی می‌کنند. آنچه معنا را حمل می‌کند جهان مادی نیست بلکه نظام زبانی است و معنا نه به کیفیت مادی نشانه‌ها، بلکه به کارکردهای نمادین آنها وابسته است.

یکی از شکل‌های گسترده و پیچیده بازنمایی، بازنمایی هویت از رهگذر عطف توجه بدن است. از نظر فوکو نیز روابط قدرت، پیوند مستقیم با بدن دارند. بوردیو بدن را حامل نمادین هنجارهای اجتماعی و سرمایه بدنی را منبع فرهنگی سرمایه-گذاری شده در بدن می‌داند. گیدنز معتقد است توجه به بدن، جستجویی برای «هویت» است. در طول تاریخ و در میان فرهنگ-ها، ادیان و اساطیر؛ بدن پیوسته محل ظهور و رقابت گفتمان‌های مختلف و مخالف (از گفتمان طبی / پزشکی، دینی، عرفانی، اسطوره‌ای، سیاسی و...) بوده است. انحاء رفتار با بدن در فرهنگ‌ها، جوامع و نهادهای اجتماعی حاکی از جایگاه و نقش بدن در نظام ارزشی و ایدئولوژیک آنهاست تا آنجا که برخی برمبنای نوعی انتقال / نگاشت استعاری بدن را عالمی مینیاتوری از جامعه می‌دانند مفهوم «ساختن اجتماعی بدن حاکی از نقش جامعه، در ساخت و پردازش بدن است یعنی نهادها، گروه‌ها و نظام ارزش‌های اجتماعی، به تدریج و غالباً خاموش و در لباس مُبدل؛ انتظارات و توقعاتی را شکل می‌دهند که افراد برای هماهنگی با آنها یا برآوردن آنها و به قصد دستیابی به شاخص‌های مقبولیت و موفقیت یا هویت، به آنها تن می‌دهند. با استفاده از «نظریه بازنمایی» می‌توان به بدن به‌مثابه متنی برای تامل در شناخت نظام‌های اجتماعی و سیاسی و ایدئولوژیک نگریست.

کلیدواژه‌ها: بازنمایی، روایت، هویت، استعاره

¹ عضو هیات علمی دانشکده علوم انسانی